

دگردیسی کمونیسم مارکس

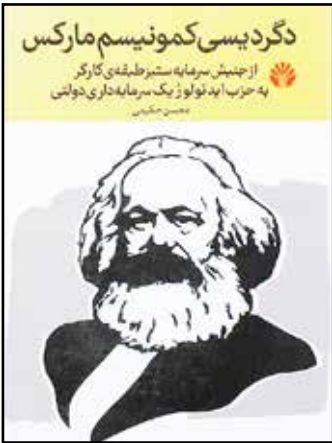
کتاب دگردیسی کمونیسم مارکس (از جنبش سرمایه‌ستیز کارگر به حزب ایدئولوژیک سرمایه‌داری دولتی)، تألیف محسن حکیمی که نشر اختران به چاپ رسانده، به بررسی وضعیت کارگران در برابر سرمایه می‌پردازد و شرایط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را در زمان ظهور مارکس در اندیشه فلسفه غرب بررسی می‌کند، پس از آن فعالیت‌های انتقادی و انقلابی مارکس را با پس‌زمینه فضای جامعه اروپا در قرن نوزدهم برمی‌شمرد و مانیفست‌های مارکس را از آغاز تا پایان و تأثیر آنها را روی جامعه بررسی می‌کند و پایه‌های آغازین بنای جمعیت کمونیستی در میان جامعه کارگری را مرور می‌کند.

به‌طور کلی کتاب به ناتوانی رویارویی طبقه کارگر چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی در برابر یورش بی‌امان و همه‌جانبه سرمایه می‌پردازد؛ اینکه طبقه کارگر نتوانسته سطح معیشت را ثابت نگه دارد چه برسد به اینکه به سرمایه‌پورش ببرد و آن را عقب‌براند و قیام ابریشم‌باف فرانسوی با شعار «یا کار می‌کنیم تا زندگی کنیم، یا می‌جنگیم تا بمیریم»، دیگر پایان گرفته است. یافتن دلایلی این امر، از یک سوی مستلزم کندوکاو در تحول رابطه اقتصادی و اجتماعی سرمایه و ظرفیت‌های آن برای برون‌رفت از بحران‌های ادواری است که کتاب به آن می‌پردازد و به این نکته اشاره می‌کند که دگردیسی کمونیسم مارکس به پسرفت مبارزه طبقه کارگر در نهایت بر ضعف و ناتوانی تاریخی طبقه کارگر، ابتداء در آلمان و سپس در روسیه سایه‌افکنده است.

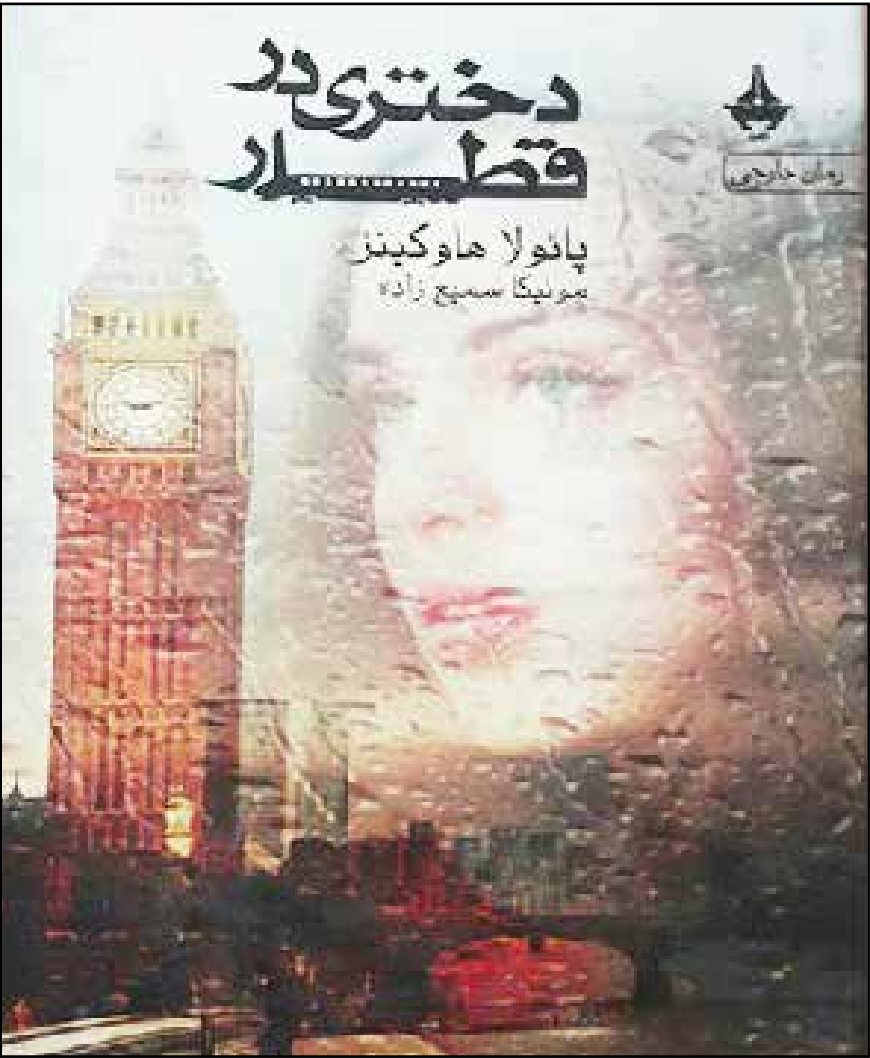
بخش عمده کتاب به بررسی هجوم نظری بورژوازی دولتی روسیه و استحاله نظری کمونیسم مارکس و تبدیل آن به حزب ایدئولوژیک نماینده سرمایه‌داری دولتی اختصاص دارد و درون‌مایه اصلی کتاب نشان می‌دهد که تجربه لنینیسم و استالینیسم و به‌طور کلی شکست و فروپاشی شوروی تاکنون عمدتاً از نظر گاه دفاع از سرمایه مورد نقد قرار گرفته است و این کتاب موضع ستیز با سرمایه را به نقد می‌کشد باز یایی لنین را در عصر کنونی هیاهوی بسیار برای هیچ می‌داند.

کتاب نتیجه‌گیری می‌کند که لازمه وجود جنبش کارگری سازمان یافته، مستقل و سرمایه‌ستیزی که خود را واجد صلاحیت برای به‌دست گرفتن قدرت سیاسی و اداره جامعه بداند، علاوه‌بر برخورداری از نیروی مادی، برخورداری از افق و دور‌نمای ضد سرمایه‌داری مدون متمایز از افق‌های احزاب سیاسی می‌داند و در نهایت خاطر نشان می‌کند که ویژگی‌های کارگری به‌مواردی می‌شود در کتاب به تنهایی محدود نمی‌شود، بلکه اینها فقط مهم‌ترین خصوصیات این سازمان ضدسرمایه‌داری می‌داند و تاریخ جنبش کارگری در بسیاری از کشورها نشان داده که سازمان‌یایی شورایی کارگران برای از سرمیه‌داری امکانپذیر است. در سال‌های اخیر نیز حرکت‌هایی چون جنبش وال استریت در آمریکا و جنبش‌های شبیه به آن در اروپا نزدیکی زیادی با سازمان‌یایی شورایی داشته‌اند و می‌توانند به مصادیق آن تبدیل شوند، مشروط بر آنکه از تجارب ناکام خود درس بگیرند و بر نقاط ضعف و ناکارآمدی خود چیره شوند.

کتاب در فصل بندی به بررسی نظریات مارکس و انگلس می‌پردازد و درباره حزب لنین در روسیه بحث می‌کند بازگشت به شرایط حزب لنین را بیپه‌وده می‌شمارد. کتاب معتقد است که بی‌شک در گذشته مبارزات تاریخی کارگران جهان برضد انواع و اقسام دولت‌های سرمایه‌داری با نقاط ضعف فراوان همراه بوده است؛ نقاط ضعفی که محصول ناتوانی تاریخی طبقه کارگر بوده است. اما به رغم این نقاط ضعف، نمی‌توان فرازهای درخشان پیکار کارگران جهان با سرمایه‌ار انکار کرد؛ فرازهایی که اکنون انگار به رویدهایی از یادرفته یارویابایی دسترسی ناپذیر تبدیل شده‌اند که طبقات کارگر در کشور‌های مختلف باید حسرت آنها را بخورند.



کیی برابر اصل



در ایران، کتاب‌هایی می‌خوانند که در

«شهر کتاب‌ها» موجودند، اما آن‌ها را به‌سختی می‌توان در کتابفروشی‌های انگلستان یا ایالات متحده پیدا کرد و خوانندگان معمولی به سراغشان نمی‌روند».

سعيد كمالي دهقان در کتاب دوازده به علاوه یک می‌نویسد: «کار یک مترجم کارکننده در کشور ما فراتر از ترجمه کتاب بوده. مترجمان ما که حرفه‌شان بیشتر از روی علاقه بود تا صرف امرار معاش، در مقایسه با مترجمان غربی کارکرد متفاوتی داشتند. به همین دلیل جای تعجب نیست که در جامعه از منزلت ویژه‌ای برخوردارند و برای مثال نامشان -خلاف آنچه در غرب متداول است- هم‌ردیف نام نویسنده اثر روی جلد کتاب درج می‌شود... آنچه مترجمان ما را متفاوت کرده، انتخاب آنهاست. همین موضوع باعث شده، با وجود تمام سختی‌ها و موانع موجود، مجموعه ادبیات جهانی که به زبان فارسی در اختیار ماست گلچین درخشانی باشد. در دنیای امروز، با بمباران اطلاعات و گستره بی‌حد و اندازه شبکه‌های اجتماعی، مترجمان ما غریب خوبی‌اند در شکل‌گیری سلیقه ادبی ما. به همین خاطر مایه شادمانی است که خوانندگان ادبیات

بایگانی کتاب

معرفی کتاب حرفه‌ای، خاطرات جواد شریفی‌راد

قهرمانی تمام حرفه‌ای

آیان مصدق

چند روز گذشته حادثه تلخ حمله تروریستی به هموطنان اهوازی‌مان، اندوه را به تمام رگ‌های جامعه تزریق کرده و همچنان شوک از دست دادن عده‌ای از مردم بی‌گناه و سربازان جان بر کف ارتش که جانانه امنیت را معنایی دوباره بخشیدند و سپر گلوله‌ها شدند تاجان مردم و کودکان نجات دهند، از بین نرفته است. صفحه کتاب به سهم خود ششمی را برای یادمان تمامی دل‌واران این سرزمین‌اهورایی روشن می‌کند تا به‌نجوی یادشهادی اهوار را گرمی بدارد و یادی کرده باشد از دل‌آوری گمنامانی که اکنون دیگر در میان ما نیستند، اما یادشان گر‌امی است. از این رو ضروری دانستیم کتابی با عنوان حرفه‌ای، تألیف مرتضی قاضی که خاطرات جواد شریفی‌راد را به نگارش درآورده معرفی کنیم.

نگاهی به ترجمه‌های کیی‌برداری شده، با محوریت مترجمی شانزده ساله

کیی برابر اصل

خواننده اندک. این در حالی است که در جهان اول نویسنده و مترجم اندک شمار اما حرفه‌ای هستند که صرفاً به شغل نویسندگی یا مترجمی در دفتر کاری جداگانه می‌پردازند. نتیجه این رخداد شوم در ایران، سردرگمی خواننده برای یافتن یک ترجمه خوب و دست اول و شسته-رفته است و البته از دست دادن ارزش و صرف هزینه برای هیچ و آنچه در سال‌های اخیر شاهد آن بودیم از دست رفتن اعتماد خواننده حرفه‌ای و بلا تکلیفی در انتخاب ترجمه‌ای که قرار است پول زیادی هم بابت آن بپردازد. در نتیجه ترجمه‌ای دسته چندی می و بی‌ارزش را به خانه می‌برد و در همان چندصفحه اول ترجمه راه‌می‌کند. اما به‌راستی در پشت پرده چاپ و نشر کتاب و این جا به‌طور مشخص ترجمه کتاب‌ها چه می‌گذرد که حتی خواننده حرفه‌ای نمی‌تواند در انتخاب مترجم مطمئن باشد و قفسه کتاب‌ها پر می‌شود از کتاب‌های نخوانده و بی‌ارزش؟

بر این مینا صفحه کتاب تلاش می‌کند تا جایی که مجال باشد، پرونده‌هایی برجسته از غیرمعمول بودن برخی مترجمان سؤال برانگیز را واکاود و تنها با طرح پرسش به آگاهی خواننده حرفه‌ای کمکی کرده باشد تا شاید اندکی از این هرج و مرج ترجمه در ایران عبور کنیم و به سامان برسیم.

در این بین کتاب‌هایی به چاپ می‌رسند که جست‌وجوی ما برای یافتن اثری از مترجم آن به جایی نرسید و یقین حاصل کردیم که ارواح و اشباح کتاب ترجمه می‌کنند، این گونه است که دست‌ماز گفت‌وگو با ایسن مترجمان نامرئی کوتاه است. برخی مترجمان هم وجود خارجی دارند، اما مسأله این است که ترجمه‌ای معروف از یک کتاب پرفروش را بی‌کم و کاست به نام خودشان می‌زنند و صد البته که ناشر دلسوز هم آن‌ها را با تخفیف ویژه به فروش می‌رساند. البته در این بین مترجمانی هم هستند که ویرایش‌تر و تمیز به سر و گوش متن اصلی می‌کشند و آن را تحویل ناشری حتی گاهی متعهد می‌دهند و چون با ادعا و هیاهو اسم و رسمی برای خودش به هم زده‌اند، کسی متوجه این زیربایی نمی‌شود و این‌جا باید ندای والسفا سر داد. در این‌جا چند نمونه از شگفتی‌های بازار ترجمه را در ایران مرور می‌کنیم و لازم می‌دانیم که وقاحت و بی‌مسئولیتی را جلو چشم برخی مترجم‌نمایان و ناشران کاسبکار ببایوریم تا شاید اگر دادگاهی برای رسیدگی به دزدی آنان و جود ندارد، این‌جا علیه آن‌ها اعلام جرم

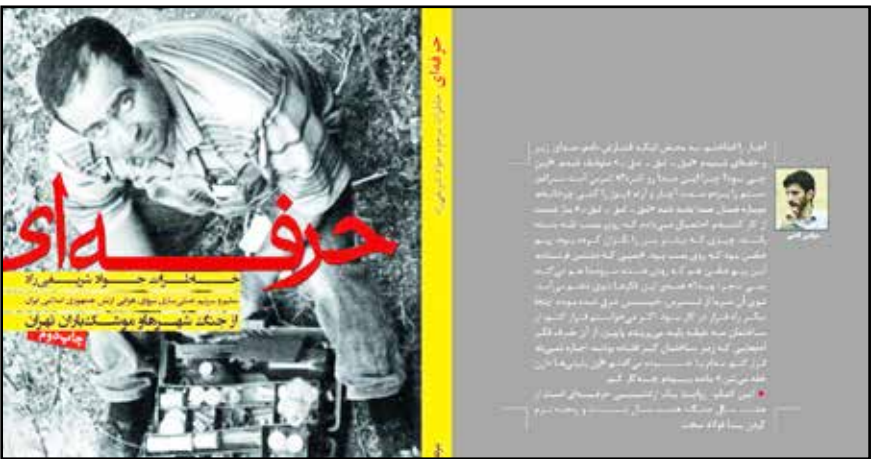
کنیم و قضاوت را به خواننده آگاه واگذاریم.

کودکی که آلبر کامو ترجمه می‌کند

یکی از این شگفتی‌ها مترجمی به نام مونیکا سمیع‌زاده است که در فیبا سال تولد او سال ۱۳۸۱ ثبت شده است. خانم مونیکا سمیع‌زاده پیش از رسیدن به ۱۶ سالگی کارنامه پر و پیمانی از ترجمه آثار درجه یک از نویسندگانی همچون آلبر کامو، جورج اورل و اورینا فالاجی دارد. کتاب‌های مهم و پرفروشی چون ۱۹۸۴، جنس ضعیف، دختر کشیش، دختری در قطار، سقوط و نامه به کودکی که هرگز زاده نشد. شگفت آن که این‌ها در سایت کتابخانه ملی موجود نیستند، اما فیبای همه آن‌ها ثبت شده است.

محمد جواد انتظاری مدیر نشر آراسپ پیشتر ناشر رمان‌های عامه‌پسند و طالع‌بینی و فال بوده است. با نگاهی به این ترجمه‌ها با نام خانم مونیکا سمیع‌زاده مشخص می‌شود که کتاب‌ها موبه‌مو از ترجمه اصلی برداشته شده است. نشر آراسپ در نمایشگاه گذشته با اعتراض عده‌ای از مترجمان و ناشران روبه‌رو شد و در پی یک رسوایی، غرفه‌اش پلمب شد و برای همیشه ممنوع‌النمایشگاه شد، اما همچنان با عنوان نشر سخن و تعدادی کتاب در نمایشگاه امسال شرکت کرد. جریان شکایت ناشران مسکوت ماند و مشخص نشد چرا مسأله را پیگیری نمی‌کنند. تا آن‌جا که برخی مسئولان مدعی شدند که منبع سرقت را به ناشران اطلاع می‌دهند، اما ناشران از پیگیری سر باز می‌زنند.

اما نکته مهم این جاست که محمد جواد انتظاری مدعی شده که شخصی به نام مونیکا سمیع‌زاده وجود خارجی ندارد. پرسش مهم این جاست که اگر ایشان وجود خارجی ندارند، چه میزان از بهره‌هوشی موجب شده تا تاریخ تولد ایشان ۱۳۸۱ ثبت شود؟ گیریم که آقای انتظاری ادعای شیخ بودن خانم مونیکا سمیع‌زاده را کردند، آیا این پرسش مطرح نمی‌شود که دختر بچه‌ای تا پیش از رسیدن به ۱۶ سالگی حجم عظیمی از کتاب‌هایی از نویسندگانی چون جورج اورل که کاملاً استعار و تمثیلی است یا آلبر کامو که پایه‌گذار ادبیات بیگانگی است را چطور درک کرده و ترجمه کرده است؟ ایشان سالی چند کتاب ترجمه کرده و از چند سالگی شروع به ترجمه کتاب کرده است؟ حتی اگر از ۹ سالگی شروع به ترجمه کرده باشد که با زده بند، ویرایشی از ترجمه اصلی را تحویل مردم و ناشر شاید بی‌اطلاع می‌دهند، کار ساده‌ای نیست و این‌جا دشواری راه‌ما برای جدا کردن سره از ناسره آغاز می‌شود.



پس از اتمام جنگ همچنان به کار خنثی سازی آن چه‌از جنگ باقی مانده بود، می‌پردازد. وی همچنین از مدیران باسابقه جلوه‌های ویژه در فیلم‌های دفاع مقدس بود که در آخرین روزهای فیلم‌برداری فیلم معراجی‌ها، آخرین ساخته مسعود ده‌نمکی در اثر بی‌احتیاطی عوامل فیلم و

انفجار مواد منفجره کنار اتومبیل وی، به همراه پنج تن دیگر از دستیارانش در ۱۸ دیماه ۱۳۹۲ بدور دحیات گفت‌وهرگز چاپ این کتاب را ندید. کتاب حرفه‌ای از جمله کتاب‌های بیوگرافی باروایتی داستانی است که برهه‌ای از تاریخ معاصر ایران را روایت می‌کند. یاد و نامش گرمی باد.